

گزارش

بن بست در مسیر گفت‌وگو

شکاف ایران و آمریکا عمیق‌تر از همیشه

روابط ایران و ایالات متحده در مرحله‌ای حساس و مبهم قرار دارد؛ مرحله‌ای که در آن نه نشانه‌ای از پیشرفت دیده می‌شود و نه امیدى جدی به ازسرگیری گفت‌وگوها وجود دارد. در داخل کشور نیز مواضع و اظهارات مقامات، تصویری چندوجهی از وضعیت کنونی ارائه می‌دهد. اکوایران نوشت: علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ۱۹ آبان تأکید کرد: ما همواره خواهان لغو تحریم‌ها بوده‌ایم، اما تاکنون پیام تازه‌ای در این زمینه دریافت نکرده‌ایم. همچنین اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه نیز در نشست خبری روز دوشنبه اظهار داشت: «اگر کوتاه بگوییم آنها هم برعکس این موضوع هستند. آنها بیان می‌کنند که می‌خواهند اما در واقع نمی‌خواهند. این فریبکاری است. در عمل نشان داده‌اند که هیچ‌گونه حسن نیت و جدیتی در این زمینه ندارند». عباس عراقچی، وزیر امور خارجه نیز در روزهای اخیر اعلام کرده است که فعلاً برنامه‌ای برای مذاکره با آمریکا وجود ندارد و هرگونه گفت‌وگو منوط به تغییر رفتار واشنگتن و رعایت اصل احترام متقابل است. این در حالی است که فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، در یازدهم آبان از دریافت پیام‌هایی درباره احتمال گفت‌وگو خبر داده بود. هم‌زمان با سفر مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزارت خارجه، به عمان نیز گمانه‌زنی‌هایی درباره ازسرگیری مذاکرات با میانجی‌گری این کشور مطرح شد. با این تفسیر اما بقایی در نشست خبری دوازدهم آبان تأکید کرد: هیچ برنامه‌ای برای آغاز مذاکرات با آمریکا وجود ندارد. تعداد این مواضع و اظهارات نشان می‌دهد که پرونده هسته‌ای ایران و مسئله مذاکره با آمریکا همچنان در محور توجه سیاست خارجی کشور قرار دارد. اکنون باید دید در سایه این شرایط متغیر و پیچیده، آیا روابط برتنش ایران و غرب بار دیگر به مسیر گفت‌وگو بازخواهد گشت یا خیر.

◀ عمیق‌تر از گذشته

یک کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به وضعیت مذاکرات ایران و غرب تأکید کرد که در چشم‌انداز پیش‌رو، هیچ نشانه روشنی برای شکل‌گیری روندی جدی در مسیر دستیابی به یک توافق متوازن دیده نمی‌شود. محمد خواجه‌بویی گفت: در حال حاضر شرایط به گونه‌ای رقم خورده است که شکاف‌ها و اختلافات میان ایران و غرب، به‌ویژه میان ایران و ایالات متحده، بسیار عمیق‌تر از گذشته شده است. این اختلافات به حدی است که با چند رفت‌وآمد دیپلماتیک نمی‌توان انتظار حل آن را داشت. خواجه‌بویی با اشاره به پیشینه مذاکرات هسته‌ای افزود: از سال ۲۰۱۵ که توافقی هسته‌ای حاصل شد، همواره میان ایران و غرب موضوعات مورد مناقشه‌ای وجود داشته است. اما در آن زمان دو طرف به این جمع‌بندی رسیده بودند که گفت‌وگو را صرفاً بر محور موضوع هسته‌ای متمرکز کنند و در نهایت نیز به توافقی دست یافتند که هر دو طرف در آن احساس نوعی پیروزی می‌کردند. توافقی که هم منجر به رفع بخشی از تحریم‌ها شد و هم ساختار برنامه هسته‌ای ایران را حفظ کرد. به گفته او، شرایط کنونی اما متفاوت است؛ بعد از جنگ اخیر و تحولات منطقه‌ای، در موضوعات مورد مذاکره میان دو طرف شکاف عمیقی شکل گرفته است. طرف آمریکایی معتقد است که مذاکرات باید جامع و شامل تمامی موضوعات اختلافی از جمله مسائل هسته‌ای، موسیقی و سیاست‌های منطقه‌ای ایران، به‌ویژه در قبال اسرائیل، باشد. در حالی که ایران بارها تأکید کرده که تنها موضوع قابل مذاکره، مسأله هسته‌ای است و حاضر به ورود به سایر حوزه‌ها نیست. این کارشناس بین‌المللی یکی از دلایل بن‌بست در مذاکرات را همین اختلاف مبنایی دانست و گفت: وقتی دو طرف حتی در تعیین محور گفت‌وگو اختلاف دارند، طبیعی است که چشم‌اندازی برای توافق روشن وجود نداشته باشد. وی افزود: اختلاف دوم به ناتوان بودن خواسته‌های دو طرف بازمی‌گردد. حتی در حوزه هسته‌ای که ایران آمادگی گفت‌وگو دارد، مطالبات طرف مقابل به هیچ وجه قابل قبول نیست. از نگاه آمریکا، پس از حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران در فوردو، اصفهان و طلزن، برنامه اتمی ایران فلج شده و دیگر ضرورتی برای مذاکره درباره آن وجود ندارد. واشنگتن معتقد است با اقدام نظامی، مسئله را حل کرده است. خواجه‌بویی تصریح کرد: در مقابل، ایران همچنان بر حق غنی‌سازی خود با فشاری دارد. تهران تحلیلش این است که برنامه هسته‌ای خاک‌ریزی است که باید از آن دفاع کند تا سطح رویارویی با غرب در همین حد باقی بماند. از دید مقامات ایرانی، هرگونه عقب‌نشینی در این حوزه می‌تواند آغاز دومینویی از امتیازدهی‌ها باشد که نهایتاً به تسلیم ایران در برابر غرب منجر می‌شود. وی تأکید کرد: به همین دلیل، شکاف میان خواسته‌های دو طرف به قدری عمیق است که ایجاد نقطه اشتراک و رسیدن به یک توافق متوازن در کوتاه‌مدت تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسد.

◀ سه ضلعی بازدارندگی

خواجه‌بویی با اشاره به افزایش تعاملات ایران با روسیه و چین پس از فعال شدن مکانیسم ماشه، گفت: بعد از جنگ ۱۲ روزه علیه ایران، اولویت اصلی تثبیت بازدارندگی است؛ یعنی رساندن کشور به نقطه‌ای که از حمله مجدد اسرائیل و آمریکا جلوگیری شود. به گفته وی ایران در سه محور اصلی در حال حرکت است: نخست، حفظ ابهام در وضعیت برنامه هسته‌ای ایران، ایران توضیح روشنی درباره میزان آسیب‌ها به برنامه هسته‌ای نداده و اجازه بازرسی هم نداده است. این رفتار نوعی ابزار فشار برای مذاکرات آینده محسوب می‌شود. دوم، احیای توان موشکی کشور است. برنامه موشکی مهم‌ترین عامل بازدارنده در برابر اقدامات احتمالی آمریکا و اسرائیل است و گزارش‌ها حاکی از آن است که ایران از طریق همکاری با چین در حال بازسازی زیرساخت‌های تولید موشک و تأمین سوخت جامد است. سوم، ترمیم روابط با روسیه و چین است. ایران بر این باور است که قرار گرفتن در کنار قدرت‌های بزرگ می‌تواند به‌طور نسبی پشتوانه‌ای دیپلماتیک، اقتصادی و حتی امنیتی برای کشور باشد.

امیررضا واعظ آشتیانی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مشکل ایران مال را

پدر علم اقتصاد هم

نمی‌تواند حل کند



ایران مال به جای فرصت‌سازی به چالش تبدیل شده است

نوع سرمایه‌گذاری در بانک آینده اشتباه بود



آرمان ملی – احسان انصاری: «ساخت ایران مال از ابتدا توجیه اقتصادی نداشته است. امروز عنوان می‌شود که قیمت ایران مال در حدود ۵۰۰ همت است. در چنین شرایطی این سوال مطرح است که آیا این مبلغ قابلیت نقدشوندگی دارد یا خیر؟ آیا کسانی که قرار است ایران مال را بخرند می‌توانند از این سرمایه‌گذاری سود ببرند و این کار توجیه اقتصادی دارد؟ آیا این موضوع که با خرید بخش‌هایی از ایران مال و با افزایش تورم قیمت آن نیز افزایش پیدا می‌کند توجیه علمی و اقتصادی دارد و این روش تا کجا پیش خواهد رفت؟

◀ ادغام بانک آینده در بانک ملی با حاشیه‌ها و واکنش‌های مختلفی همراه بوده است. ارزیابی شما از این اتفاق چیست و فکر می‌کنید انحلال بانک آینده به چه دلیل رخ داده است؟

نوع سرمایه‌گذاری که در بانک آینده انجام شده اشتباه بوده است. اتفاقی که رخ داده این است که ایران مال را با ارزش ۲۸۰۰ تومانی ساخته‌اند و براساس آنچه گفته می‌شود بالغ بر ۴۰ همت ساخت ایران مال هزینه داشته است. بانک آینده که این همه پول نداشته و از مردم پول گرفته و سود مشارکت پول مردم را نیز پرداخت کرده است. هدف از این کار این بوده که با ساخت ایران مال و درآمدی که از آن کسب می‌کند در نهایت پول مردم را باز گردانند. این در حالی است که امروز مشخص شده که ایران مال درآمدی ندارد و بازگشت پول‌های مردم امکان‌پذیر نیست و حتی بخشی از هزینه‌های آن را بانک آینده پرداخت می‌کرده است. دلیل این وضعیت این است که نوع سرمایه‌گذاری که صورت گرفته به شکلی نبوده که بانک بتواند از آن بهره‌برد. زمانی که قرار بود ایران مال را سازندگان من مشورت گرفتند و من گفتم بهتر است که این کار نکنید.

◀ چرا معتقد بودید نباید این اتفاق رخ دهد؟

به باور من اگر در مراکز استان‌ها مشابه کوچکی از ایران مال ساخته می‌شد هم اشتغال‌زایی بهتری دارد و هم سرمایه‌گذاری‌ها و کار تقسیم می‌شد و می‌توانست تأثیر مثبتی داشته باشد. با این وجود سازندگان ایران مال معتقد بودند ما به دنبال ساخت بزرگترین مال دنیا هستیم و باید این اتفاق رخ بدهد. پرسش مهم در این زمینه این است که اگر شما بزرگترین مال دنیا را هم ساختید چه افتخاری دارد؟ در همه دنیا اگر از چنین پروژه‌هایی بهره‌برده نشود به چالش تبدیل می‌شود و این اتفاقی است که امروز برای ایران مال رخ داده است. مشکل بانک آینده نوع سرمایه‌گذاری است و این نوع سرمایه‌گذاری باعث شده که پدر علم مدیریت و پدر علم اقتصاد هم بیایند نمی‌توانند مشکل آن را حل کنند. در این بین اینکه به چه کسانی وام داده شده و چه کسانی به دنبال منافع خود بوده‌اند موضوع دیگری است که من اصلاً به آن ورود نمی‌کنم. نکته دیگری که وجود دارد این است که بزرگترین اشتباه بانک مرکزی این بوده که مدیریت بانک آینده را ز سپاه دار گرفته و برای آن هیات مدیره انتخاب کرده است. هنگامی که نوع سرمایه‌گذاری مشکل دارد نمی‌تواند پروژه را به نتیجه برساند. من زمانی که قرار بود ایران مال افتتاح شود پیشنهاد دادم چند نفر را مأمور بگذارید که در ورودی پارکینگ خودروها را بررسی کنند. از نوع خودروهایی که وارد پارکینگ ایران مال می‌شود به خوبی می‌توان متوجه شد که سرمایه‌گذاری که صورت گرفته درست بوده یا خیر. این اتفاق رخ داده و مشخص شده که اغلب خودروها پراید، وانت، ۴۰۵ و... بوده است. از نوع

سازندگان ایران مال معتقد بودند ما به دنبال ساخت بزرگترین مال دنیا هستیم و باید این اتفاق رخ بدهد. پرسش مهم در این زمینه این است که اگر شما بزرگترین مال دنیا را هم ساختید چه افتخاری دارد؟

خودروها مشخص است که این افراد بیشتر برای تماشا و گرفتن عکس یادگاری آمده‌اند تا مسائل اقتصادی.

◀ یعنی طبقه مرفه کمتر از ایران مال بازدید کرده است؟

بازدید مهم نیست و بلکه مهم این است که هزینه‌ای که برای ایران مال شده باید به سود اقتصادی می‌رسیده است. این در حالی است که طبقه مرفه به دلیل اینکه دارای مکتد مالی است اگر به دنبال لباس یا کالای برند و گران قیمت باشد در سفرهای خارجی که انجام می‌دهد دسترسی بهتری به برندهای مختلف دارد و در همین سفرها خریدهای خود را انجام می‌دهد. این وضعیت به خوبی نشان می‌دهد که تحلیل‌هایی که در این زمینه صورت گرفته اشتباه بوده است و تحلیل‌ها دقیق نبوده است. این تحلیل‌ها مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را مورد نظر قرار نداده است. این در حالی است که برای چنین سرمایه‌گذاری‌هایی باید تحلیل‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی انجام شود تا مشخص شود مردم چه دانقه و سلافتی دارند. اتفاقی که در ایران مال رخ داده بی‌محاسبه سرمایه‌گذاری کردن بوده که در نهایت نیز با چنین سرنوشتی مواجه شده است. من فکر می‌کنم شرایط به شکلی است که در نهایت بانک ملی نیز با دست‌های بانک آینده در لجن فرو خواهد رفت. به

وقتی گفته می‌شود قیمت ایران مال

در حدود ۵۰۰ همت است، این سوال

مطرح می‌شود که آیا این مبلغ قابلیت

نقدشوندگی دارد یا خیر؟ آیا کسانی که قرار

است ایران مال را بخرند می‌توانند از این

سرمایه‌گذاری سود ببرند؟

حجت الاسلام فاضل میبدی:

جای منتقد زندان نیست، در صدا و سیماست

کند. این عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم بیان کرد: حاکمیت و دولت باید کاری کند که این اساتید به ماندن در کشور تشویق شوند. با این بگرویبندها کاری می‌کنند که این افراد بروند و با فقر فکری و فرهنگی مواجه شویم. وی ادامه داد: قطعاً این کارها در انسجام و اتحاد ملی خلل ایجاد می‌کند و هر کاری که باعث سلب اعتماد مردم از حاکمیت بشود به زیان کشور است.

دشمن خارجی هم قوی‌تر می‌شود و امکان دارد صدمه‌های بیشتری هم وارد کند. امروز آمار مهاجرت نخبگان از کشور بالا رفته و دشمن این را می‌فهمد می‌توان به کشوری که نخبگانش در بند هستند و با تهدید مواجه می‌شوند ضربه وارد کرد. فاضل میبدی با اشاره به راهکارهایی جلوگیری از تکرار چنین برخوردهایی تصریح کرد: باید تشویق کنند. به جای اینکه ما همیشه عده‌ای متعلق در صدا و سیما داشته باشیم باید عده‌ای منتقد هم داشته باشیم که حرف بزنند.

است. به هر حال اگر این افراد اظهار نظری کرده‌اند باید جوابشان را بدهند. به نظر من زندان بدترین چیز در یک کشور است آن هم اگر زندان‌های سیاسی و عقیدتی باشد. وی با تأکید بر اینکه مردم باید هسته اصلی حاکمیت باشند، اذعان کرد: اینکه ما بخواهیم فقط در انتخابات‌ها یا در حمله‌های خارجی شعار ملی و ملت بدهیم و بعد از آن که خرما از پل گذشت دوباره این نوع حرکات را شروع کنیم، این کار همیشه جواب نمی‌دهد. به زیان نظام

است. فاضل میبدی اظهار کرد: اینکه عده‌ای بنشینند و پرونده‌سازی کنند و افراد را دستگیر کنند هیچ سودی برای کشور ندارد. آمار زندان‌ها باید کم بشود. آمار اعدام‌ها باید صد درصد کم بشود و پایین بیاید. این‌که ما مرتب اعدام داشته باشیم و هر روز هم رادیوهای بیگانه برای ما برنامه‌ای بسازند و علیه ما سخن بگویند، این‌ها خوراک تبلیغات برای آن‌ها می‌شود که می‌خواهند علیه جمهوری اسلامی کار

یادداشت

سیاست خارجی برای توسعه با بقا

مصطفی اعلائی

سفیر پیشین ایران

در و نوزلا



ملت‌ها به‌ویژه در دوران معاصر هر کدام بر مبنای تاریخ و پیشینه و آرزوهای ملی خود افقی را برای تحقق اهداف ملی به تصویر کشیده‌اند. همگان سربلندی و پیشرفت را برای ملت خود طلب می‌کنند. قاعدتاً هیچ استعدادهای ملی و مردم‌سالاری تمایلی برای جنگیدن برای بقا ندارد و نمی‌خواهد ملت خود را درگیر ایستایی در پیشرفت و توسعه کند. اما نکته مهم اینجا است که این سیاست‌ها و راهبردها هستند که کشورها را در مسیر توسعه قرار می‌دهند. و بالعکس، این سیاست‌ها و راهبردهای حاکمیتی هستند که خواسته یا ناخواسته آنها را به سوی حرکت برای بقا سوق می‌دهند و آنها را در تله حرکت دایره‌وار و عقب‌ماندگی در قالب اقتدار مبتنی بر آفق‌های غیر واقعی سوق می‌دهند. در جهانی که هر گوشه‌ای از آن از لایه‌های پیچیده علم و تکنولوژی و سیاست و اقتصاد در هم تنیده و شبکه‌های گوناگون قدرت و منفعت تشکیل شده است الزاماً تنها ملت‌هایی به آفق‌های ترسیم شده توسعه نزدیک می‌شوند که سیاست‌ها و راهبردهای حاکمیتی آنان حساب شده، تخصصی، دقیق و مبتنی بر توانایی‌ها و استعداد‌های ملی و واقعیات بین‌المللی بوده و نهایتاً موازنه‌ساز باشند. در غیر این صورت قطعاً کشورها و مردم آنها از حرکت همگانی برای توسعه جامانده و در تله جنگ برای بقا گرفتار خواهند شد. و جنگ برای نابینز نهایتاً به فرسودگی ساختارها، عمیق شدن شکاف‌های درون بچران‌های اقتصادی و اجتماعی و دست‌آخر به فروپاشی بنیان‌های حیاتی کشور خواهد انجامید. راهبردها و سیاست‌هایی که تحت هر نام و عنوان موجب شود کشور از نقد کردن منابع و استعداد‌های ذاتی خود محروم شود خیالی، غیرواقعی و ضد ملی و در واقع خودزنی است. نکته مهم دیگر این‌که سیاست‌ها و راهبردهای ابزار ساز باید ضرورتاً با چهار اصل مهم در روابط بین‌الملل: اصل کلیت تفکیک نباید بر روابط، اصل توازن، اصل برآیند منفعت‌ها، اصل ناظم و ضامن مطابقت داشته باشد. بدیهی است این اصول اگر در حلقه سیاست خارجی مفقود باشند منابع و استعداد‌های ذاتی کشور به هدر خواهد رفت. در خصوص اصل اصول بعضاً در متن اشاراتی رفته است. سیاست خارجی در نظام دولت – ملت سه مأموریت اصلی و شاخص دارد: امنیت (به مفهوم جامع به‌شمول امنیت انسانی)، توسعه همه جانبه و پایدار، و در برخی کشورها ترویج ارزش‌های ملی و تمدنی. دولت‌ها و حاکمیت‌ها در چارچوب این نظام برای تحقق اهداف مأموریت‌های سیاست خارجی نیازمند درک صحیح و واقع‌بینانه از تحولات بین‌المللی برای شکل‌دهی محیط بین‌الملل در ابعاد مختلف از طریق اثرگذاری بر تحولات و روندهای حاکم برای کسب «قدرت» و «منفعت» هستند. به بیان دیگر، سیاست خارجی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که بتواند ابزارهای اثرگذاری بر تحولات بین‌المللی برای افزایش «منفعت» و «قدرت» و کاهش آسیب‌ها را در محیط بین‌الملل کسب کند. بنابراین در مقام تعریف می‌توانیم بگوییم که سیاست خارجی برای توسعه‌داری حرکت رو به جلودر خلق ابزارهای قدرت برای افزایش منافع و کاهش آسیب‌ها در لایه‌های پیچیده روابط بین‌الملل است. بالعکس، سیاست خارجی برای بقا به‌طورا اجتناب‌ناپذیر و در جهت فرسایش ابزارهای حاکمیتی اثرگذار، منطقه و جهان دارای حرکت دایره‌وار صرفاً برای ماندن و یا زنده ماندن است. در سیاست خارجی برای توسعه، دیپلماسی و میدان یا اتخاذ راهبردهای ترکیبی، جامع، وروآمد و آینده‌نگر اهداف مأموریت سه‌گانه سیاست خارجی را پیگیری و منفعت‌ها را نیز به صورت ترکیبی محاسبه می‌کنند تا از هیچ‌یک از اهداف سه‌گانه غفلت نکرده و آنها را به صورت متوازن در دسترس شهروندان خود قرار دهند. اما در سیاست خارجی برای بقا راهبردها تهاک‌ساختی و فقط برای حفظ اقتدار ظاهری و بالا ماندن پرچم شعارهای ایدئولوژیک است. در این نوع سیاست خارجی به اهداف مأموریت‌های سه‌گانه و منافع ناشی از آنان به صورت یکسان و متوازن توجه نمی‌شود و برآیند منفعت‌ها در نظر گرفته نشده و عمدتاً بر منفعت ناشی از قدرت نظامی تمرکز می‌شود. به بیان روشن‌تر، در این نوع سیاست خارجی هدف «امنیت»، آن هم در مفهوم یک وجهی، بر اهداف دیگر خود می‌گیرد. در واقع این رویکرد هم نشانه، هم دلیل و هم نتیجه سیاست خارجی برای بقاست. پیگیری برخی مفاهیم و تکرار شعارها در سیاست خارجی در نگاه اول تقویت اقتدار به نظر می‌رسد ولی در طول زمان نتیجه این رویکرد به صورت اجتناب‌ناپذیر و به عنوان یک نتیجه منطقی به «سیاست خارجی برای بقا» منجر می‌شود.